

نقش جنسیت، رشته تحصیلی و مدیریت زمان در پیش‌بینی خلاقیت کلامی دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا

ابوالقاسم یعقوبی^۱

حسین محقق^۲

مریم متقیان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۸

چکیده

زمینه: خلاقیت یکی از عرصه‌های اصلی دانش بشری است و بخشی از فعالیت‌های دانشجویان در دانشگاه باید در این راستا باشد.

هدف: این پژوهش با هدف بررسی رابطه خلاقیت و مدیریت زمان بر اساس متغیر تعدیل‌کننده جنس و رشته تحصیلی انجام شده است.

روش: روش پژوهش حاضر، از نوع همبستگی می‌باشد که در آن به دنبال پیش‌بینی تغییرات متغیر ملاک خلاقیت بر اساس متغیرهای پیش‌بین هستیم. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا در سال ۱۳۹۱ بوده است که از میان آنها ۳۷۵ نفر به عنوان گروه نمونه به شیوه

۱. دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول).

yaghobi41@yahoo.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

hm293nu@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی و مدرس دانشگاه علمی کار بردی بهزیستی

maryam.mottaghian@yahoo.com

طبقه‌ای نسبی انتخاب شده و به وسیله دو پرسشنامه مدیریت زمان بریتون و تیسر و بخش کلامی آزمون خلاقیت تورنس، آزموده شده‌اند.

یافته‌ها: بیانگر این است که بین خلاقیت و مدیریت زمان در دانشجویان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ به گونه‌ای که هرچه برنامه‌ریزی کوتاه مدت در دانشجویان بیشتر باشد خلاقیت فردی آنها نیز بیشتر است. همچنین، می‌توان بیان کرد برنامه‌ریزی کوتاه مدت در دانشجویان پسر نسبت به دانشجویان دختر رابطه قوی‌تری با خلاقیت فردی دارد. افزون بر این، بین نگرش به زمان و خلاقیت هم رابطه مثبت معنی دار وجود دارد و نمره خلاقیت کلامی دختران بالاتر از پسران است.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های تحقیق، متغیرهای ساختاری چون جنسیت، رشته تحصیلی و مدیریت زمان دارای سهم مثبت و معنی دار در پیش‌بینی خلاقیت کلامی دانشجویان می‌باشند.

کلید واژه (گان): خلاقیت، خلاقیت کلامی، مدیریت زمان، دانشجو، برنامه‌ریزی کوتاه

مدت.

مقدمه

بی‌شک یکی از زیباترین ویژگی‌های انسان، قدرت آفرینندگی و خلاقیت است. از این دریچه انسان می‌تواند توانایی‌های خود را شکوفا سازد، به حداکثر نیروهای درونی خود دست یابد، از آنها برای بیان عمیق‌ترین احساسات و عواطف خود استفاده نماید، به تکمیل دستاوردهای بشری کمک کند و حتی انقلاب و تحولی نوین در جنبه‌های مختلف زندگی پدید آورد و شالوده وجود خویش را به جامعه بشری عرضه نماید.

خلاقیت شامل به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید است. به عبارتی دیگر همان طی کردن راهی تازه یا پیمودن یک راه طی شده قبلی به طرز نوین بوده و شامل تولید چیزی است که در کنار اصیل و ارزشمند بودن نشأت گرفته از فرایندهای خودآگاه^۱ و ناخودآگاه^۲ انسان باشد.

1. conscious
2. unconscious

از سوی دیگر زمان یکی از کمیاب‌ترین منابعی است که در اختیار انسان‌ها قرار گرفته است و تنها با مدیریت صحیح بر آن است که می‌توان کارها را به طور سودمندانه و آگاهانه هدایت کرد. همه افراد نیازمند به مدیریت صحیح زمان هستند و تنها از این طریق می‌توانند فشارهای ناشی از کمبود وقت را کاهش دهند. به طور کلی مدیریت زمان مجموعه‌ای از مهارت‌ها است که ما را در استفاده مؤثر از زمان کمک می‌کند. در محیط امروزی که با سرعت در حال تغییر است و رقابت جهانی در حال افزایش است، یک شناخت مداوم و روزافزون در زمینه خلاقیت و مدیریت زمان وجود دارد. زمپتاکیس^۱ و همکاران (۲۰۱۰) با بررسی چند پژوهش در این زمینه اذعان می‌کنند مدیریت زمان یک جنبه مهم از خود تنظیمی تحصیلی است که شامل تلاش‌های افراد برای برنامه ریزی، نظارت و کنترل و تنظیم زمان می‌باشد، در حقیقت مدیریت زمان به عنوان ابزاری برای کنترل و مدیریت وقت، تعیین یا تبیین اهداف در زندگی و پیگیری استفاده از وقت، اولویت بخشیدن به اهداف و ارائه‌ی کارها بر اساس اهداف، ادراک یک زندگی نظام‌مند و هدفمند تعریف شده است (ترز^۲ و همکاران، ۲۰۱۰).

مدیریت زمان و بهره‌وری بهینه از وقت به ما امکان می‌دهد که خلاقیت دانش‌آموزان را به خدمت بگیریم تا ضمن نجات از استرس‌های کسالت‌بار روزمره، مدیریتی موفق اعمال کنیم. در گذشته، زمان به این میزان اهمیت نداشته است، اما امروزه هر لحظه از زمان آبتن حوادث و تحولات شگرف است. پس برای همگام و همراه بودن با تحولات باید روی لحظه‌لحظه‌ی زمان، مدیریت داشته باشیم تا به اهدافمان نائل شویم، کارهای مهم‌تری انجام دهیم، ارزش‌ها را بشناسیم، تعادل را حفظ کنیم، استرس را کاهش دهیم، به جای کار بیشتر، دقیق‌تر کار کنیم، زمان را تحت کنترل خود درآوریم و با کارایی بالاتری عمل نماییم (فرنچ و ایچبل^۳، ۲۰۰۲؛ ترجمه الوانی و دانایی فرد، ۱۳۸۵).

1. Zampetakis
2. Therese
3. Ferench and Ehbel

ادراک مفهوم زمان تحت تأثیر فرهنگ قرار دارد. این تأثیرپذیری از آنجا ناشی می‌شود که زمان مفهومی ذهنی است نه یک واقعیت مادی (لوتار^۱، ۲۰۰۲؛ ترجمه خاکی، ۱۳۸۱). به طور کلی تعاریف گوناگون در رابطه با مدیریت زمان، همگی بر روی این عنصر کلیدی تأکید می‌کنند: انجام کارها در عرض چارچوب زمانی مورد انتظار در حالی که کیفیت نتایج را حفظ کنند.

در کنار آن به طور کلی خلاقیت یک نکته یا موضوع مهم یا کلیدی برای رشد شخصی و اجتماعی تلقی می‌شود. خلاقیت نشان دهنده تولید یا ارائه ایده‌ها یا نظریات مفید، نو است و نشان دهنده نقطه شروع برای نوع آوری و مشارکت و همکاری است. برخی پژوهشگران نیز خلاقیت را به عنوان تعامل استعداد و گرایش، فرایند و محیط تعریف می‌کنند که به وسیله آن یک فرد یا گروه یک محصول قابل قبول تولید می‌کند که همان‌طور که گفته شد هم نو است و هم مفید (فارستر، ۲۰۰۸).

خلاقیت یک عنصر شناختی است که در طی زمان تجلی می‌یابد و برای شکوفا شدن آن نیاز به استفاده از منابع در دسترس ذهنی و شناختی و مدیریت زمان است. دو بونو (۱۹۹۲)، ترجمه بصیری و غفاری پور، ۱۳۸۲)، خلاقیت را در دو موقعیت لازم می‌داند: یکی آنجا که نیاز به یک فکر نو احساس شود، در این جا خلاقیت به تنهایی یک سرمایه است و دیگر، آنجا که نیاز مبرم به فکری نو نیست، ولی وجود خلاقیت؛ فرصت‌ها، مزایا و منافع به دنبال دارد. وی معتقد است که می‌توان از خلاقیت، در کاستن هزینه‌های تولید، بهبود کیفیت برنامه‌ها، مدیریت نگهداری، امور دولتی، مسائل اقتصادی، آموزش و پرورش، امور بهداشتی، حفظ محیط زیست، کاهش فقر و غیره، استفاده نمود. در سال‌های اخیر، تحقیقات آمابلی^۲ (۱۹۸۹)؛ ترجمه قاسم زاده و عظیمی، ۱۳۸۱) و کرافت^۳ و همکاران (۲۰۰۱) و وولفولک^۴ (۱۹۹۵)، به نقل از

1. Lootar
2. Amabile
3. Craft Jeffrey, and Mike Leibling
4. Woolfolk

سیف، ۱۳۸۹) نشان داده‌اند که خلاقیت قابل آموزش است. پژوهش‌ها در مورد نقش تعدیل کننده جنس در مورد خلاقیت ضد و نقیض است. کیم و میکایل (۱۹۹۵؛ به نقل از متقیان، ۱۳۹۰) به نقش تعدیل کننده جنسیت تاکید دارند ولی راینا (۱۹۹۶؛ به نقل از متقیان، ۱۳۹۰) جنسیت را تعیین کننده نمی‌داند. نتایج به دست آمده از پژوهش‌های نوری (۱۳۸۲) و متقیان (۱۳۹۰) نشان داد که در رابطه با بروز خلاقیت، پسران نسبت به دختران برتری دارند. به عبارتی دیگر میزان بروز خلاقیت در پسران بیشتر از دختران می‌باشد. در همین زمینه نتایج پژوهش شریفی در (۱۳۸۳؛ به نقل از مرتضوی، ۱۳۹۰) نیز همین برتری پسران بر دختران در زمینه بروز خلاقیت را نشان داده بود. پژوهش‌های بریتون و تیسر (۱۹۹۱ و ۱۹۹۹؛ به نقل از متقیان، ۱۳۹۰) نشان دادند که دختران در زمینه برنامه ریزی کوتاه مدت و خلاقیت کلامی نمرات قابل توجه و بالاتری نسبت به پسران کسب می‌کنند. کیم و میکائیل (۱۹۹۵) به خلاقیت در گروهی از دانشجویان دختر و پسر پرداخته و به این نتیجه رسیدند که دختران نسبت به پسران خلاق‌تر می‌باشند. در پژوهشی دیگر، حجتی (۱۳۷۵؛ به نقل از متقیان، ۱۳۹۰) به بررسی رابطه خلاقیت و سطح ارزشمندی در دو گروه دختر و پسر پرداخت و نشان داد که تفاوت گروه‌های جنسی در آزمون خلاقیت معنا دار نیست. در همین رابطه نیز شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۴) گزارش کرد که جنسیت رابطه معناداری با خلاقیت ندارد. راینا (۱۹۸۲) نشان داد که تفاوت‌های جنسیتی در میزان بروز خلاقیت دانش آموزان هندی تفاوت معناداری را دارا نمی‌باشد. در رابطه با نقش متغیر رشته تحصیلی پژوهش‌های فیست (۱۹۹۹؛ به نقل از متقیان، ۱۳۹۰) مبین نداشتن تفاوت معنادار گروه‌های مورد مطالعه در خلاقیت می‌باشد. محقق و همکاران (۱۳۸۹) نشان دادند که به رغم تاکید بر رشته‌های فنی و مهندسی، می‌توان اذعان داشت که خلاقیت در تمام رشته‌های تحصیلی وجود دارد و در صورت شناخت حوزه‌های مورد نیاز، خلاقیت در همه گروه‌ها تجلی می‌یابد. البته چین و هوی^۱ (۲۰۱۰) نتیجه گرفتند که بین خلاقیت دانشجویان رشته‌های تحصیلی تفاوت وجود دارد.

1. Chin and Hui

البته باید پذیرفت که عوامل مختلفی در تجلی خلاقیت نقش دارند که این پژوهش به اهمیت خلاقیت و مدیریت زمان در زمینه‌های مختلف اجتماعی و آموزشی باز می‌گردد. با توجه به تغییرات سریع اجتماعی، انفجار اطلاعات، افزایش جمعیت و مسائلی مشابه، شاید راه حل‌های همیشگی، مناسب نباشند. بنابراین باید برای رویارویی با مسائل و مشکلات روزافزون، آمادگی ارائه راهکارهای جدید را داشته باشیم. دنیای امروز نیازمند کسب تجربه و استفاده از آنچه داریم و همچنین نیازمند رویکردهای جدید به تجربه است. تایید رابطه مثبت بین خلاقیت و مدیریت زمان راهکارهای جدیدی را مطرح می‌کند. همچنین در نظر گرفتن خلاقیت به عنوان فرایند و توانایی که همگان با ایجاد مهارت‌های خاص به عنوان یک انسان عادی، و نه یک مخترع، کاشف یا هنرمند برجسته؛ عملکردی خلاق داشته باشند ضرورت این پژوهش روشن می‌کند. پس خلاقیت به عنوان یک عنصر شناختی متأثر از متغیرهایی است که در میان بررسی نقش مدیریت زمان در کنار جنسیت و رشته تحصیلی دانشجویان می‌تواند به ارتقاء دانش در این حوزه کمک شایانی نماید. با این نگاه پرسش اساسی این است که سهم متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی و مدیریت زمان در پیش‌بینی خلاقیت دانشجویان چقدر است؟

روش پژوهش

با توجه به هدف‌ها و فرضیه‌های پژوهش، روش پژوهش حاضر، از نوع همبستگی می‌باشد که در آن به دنبال پیش‌بینی تغییرات متغیر ملاک خلاقیت بر اساس متغیرهای پیش‌بین هستیم.

جامعه آماری روش نمونه‌گیری و تعداد نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل همه دانشجویان کارشناسی دانشگاه بوعلی‌سینا در سال ۱۳۹۱ بود. در حدود ۶۰۹۷ دانشجو در این دانشگاه در هفت دانشکده ادبیات، اقتصاد، فنی مهندسی، کشاورزی، هنر و معماری، علوم پایه و شیمی مشغول به تحصیل‌اند که از میان آنها و به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی ۳۷۵ دانشجو بر اساس جدول برآورد حجم نمونه کرجسی و مورگان از جامعه انتخاب و مطالعه شدند.

ابزار اندازه‌گیری

برای گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شد.

- بخش کلامی آزمون خلاقیت تورنس^۱: از بین آزمون‌های موجود برای اندازه‌گیری خلاقیت، آزمون تورنس بالاترین کاربرد را داشته است. این آزمون بیش از هر آزمون دیگری در پژوهش‌ها و اندازه‌گیری تربیتی مورد استفاده قرار گرفته است. تاکنون در بیش از دو هزار پژوهش که نتایج آن در مجلات معتبر علمی آمریکا چاپ شده، از آزمون تورنس به عنوان وسیله اندازه‌گیری خلاقیت استفاده شده است. مجموع آزمون‌های تورنس شامل ۱۲ آزمون است که به بخش‌های کلامی، شکلی و شنیداری طبقه‌بندی شده است. این آزمون‌ها ۴ نمره به دست می‌دهند که به ترتیب سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط هستند. بر اساس نتایج پژوهش‌هایی که در کتابچه راهنمایی این آزمون منتشر شده، ضریب اعتبار این آزمون بین ۰/۸۰ و ۰/۹۰ برآورد شده است. پژوهش‌هایی که درباره روایی این آزمون انجام شده، بعد از ۲۰ سال ضریب روایی پیش بین معادل ۰/۶۳ به دست داده است. بخش کلامی آزمون تورنس حاوی ۶۰ پرسش است که پاسخ هر پرسش مشتمل بر سه گزینه می‌باشد. پاسخ الف دارای صفر امتیاز، پاسخ ب یک امتیاز و پاسخ ج دو امتیاز دارد. بنابراین نمرات می‌تواند از صفر تا ۱۲۰ متغیر باشد. کسب امتیاز بالاتر نشانه خلاقیت بیشتر است. مدت زمان اجرا ۴۵ دقیقه است. آزمون را می‌توان به صورت فردی یا گروهی اجرا کرد. دامنه سنی آزمودنی‌ها از مهد کودک تا پایان دانشگاه می‌تواند باشد. عابدی (۱۳۷۲)، بوستان (۱۳۸۲) و متقیان (۱۳۸۹) ضریب اعتبار این آزمون را بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۸ و ضریب روایی آن را ۰/۶۷ تا ۰/۷۸ به دست آورده‌اند (به نقل از مرتضوی، ۱۳۹۰).

- پرسشنامه مدیریت زمان: طرح اولیه این تست در نتیجه تحقیقات بریتون و تیسر (۱۹۹۹) در بریتانیا بر روی نمونه کوچکی از دانشجویان انجام گرفت که نتیجه به دست آمده باعث بازنگری پرسشنامه و تکرار آزمون بر روی گروه بزرگ‌تری از دانشجویان شد. فرم اولیه

1. Torrance

آزمون اصلی بریتون و تیسر ۳۵ پرسش به صورت ۱۵ مقیاس بود که تجزیه و تحلیل داده‌های آنها نشان داد که مقدار یا ارزش خاص آنها بیشتر از ۱ بوده اما در آزمون غربال^۱ نشان داد که فقط ۳ مقیاس از آنها مهم بوده است. این ۳ جزء که ۳۶٪ واریانس را تشکیل می‌داد، در سه قالب برنامه ریزی کوتاه مدت، برنامه ریزی بلند مدت و نگرش نسبت به زمان نام‌گذاری شد. برای استفاده از پرسشنامه بریتون و تیسر، فرم ۱۸ پرسشی انگلیسی به فارسی برگردانده شد و سپس در نمونه ۲۰ نفره از جامعه دانشجویان رواسازی شده و ویژگی‌های روان‌سنجی آن برآورد شد. پس از استخراج اطلاعات از این ۲۰ آزمون فرم اصلی سوالات اصلاح و تعداد سوالات به ۱۴ پرسش تقلیل یافت. همچنین پرسش‌ها به ترتیب تصادفی در فرم نهایی ابزار تنظیم شد. هر پرسش مقیاس دارای یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است: "همیشه"، "بیشتر اوقات"، "گاهی اوقات"، "به ندرت" و "هرگز"؛ که نمره ۱ تا ۵ برای آنها در نظر گرفته شده است. با توجه به این مقیاس نمره بالا نشان دهنده تلاش مثبت در مدیریت زمان است. به طور کلی دامنه نمرات احتمالی این آزمون ۱۴ الی ۷۰ می‌باشد. پایایی این آزمون در مطالعه الفتی (۱۳۹۰) ۰/۸۰ و در پژوهش حاضر، بعد برنامه ریزی کوتاه مدت ۰/۷۵ و برنامه ریزی بلند مدت ۰/۸۲ و نگرش نسبت به زمان ۰/۷۹ به دست آمده است.

یافته‌های تحقیق

با توجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود که میانگین نمرات برنامه‌ریزی کوتاه مدت در دانشجویان ۲۳/۳۰، برنامه‌ریزی بلند مدت ۱۱/۷۳، نگرش به زمان ۱۰/۵۸ و کل مدیریت زمان ۴۷/۶۱ می‌باشد. میانگین نمرات خلاقیت در کل دانشجویان مورد بررسی نیز ۷۹/۱ است. فرضیه اول: بین خلاقیت فردی با برنامه ریزی، نگرش و مدیریت زمان دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود دارد. برای بررسی رابطه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی نمرات مدیریت زمان و ابعاد آن و خلاقیت کلامی

متغیرها	فراوانی	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
برنامه‌ریزی کوتاه مدت	۳۷۵	۱۰	۳۵	۲۳/۳۰	۴/۷۸
برنامه‌ریزی بلند مدت	۳۷۵	۵	۱۸	۱۱/۷۳	۲/۷۵
نگرش به زمان	۳۷۵	۵	۱۵	۱۰/۵۸	۲/۰۳
مدیریت زمان	۳۷۵	۲۵	۶۱	۴۷/۶۱	۶/۵
خلاقیت فردی	۳۷۵	۳۷	۱۱۶	۷۹/۱	۱۴/۸۶

با توجه به جدول ۲ مشاهده می‌شود که بین خلاقیت فردی و برنامه‌ریزی کوتاه مدت رابطه مثبت و معنی‌داری به اندازه ۰/۱۵ وجود دارد.

با توجه به اینکه سطح معنی‌داری همبستگی به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ است ($P < 0/05$) بنابراین رابطه به دست آمده معنی‌دار است و با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت هر چه برنامه‌ریزی کوتاه مدت در دانشجویان بیشتر باشد خلاقیت فردی آنها نیز بالاتر است. همچنین بین نگرش به زمان و خلاقیت همبستگی مستقیم ۰/۵۰ مشاهده می‌شود که رابطه معنی‌دار است ($P < 0/05$). بین خلاقیت و مدیریت زمان هم یک همبستگی مستقیم ۰/۶۳ مشاهده می‌شود که معنی‌دار است ($P < 0/05$).

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون بین خلاقیت فردی، برنامه‌ریزی، نگرش و مدیریت زمان

متغیرها	M	SD	۱	۲	۳	۴
۱. خلاقیت فردی	۷۹/۱	۱۴/۸۶	۱			
۲. برنامه‌ریزی کوتاه مدت	۲۳/۳۰	۴/۷۸	۰/۱۵*	۱		
۳. برنامه‌ریزی بلندمدت	۱۱/۷۳	۲/۷۵	-۰/۰۰۵	۰/۳۳**	۱	
۴. نگرش به زمان	۱۰/۵۸	۲/۰۳	۰/۵۰**	۰/۰۲۸	۰/۱۷**	۱
۵. مدیریت زمان	۴۷/۶۱	۶/۵	۰/۶۳**	۰/۹۰**	۰/۰۲۸	۰/۶۶**

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

فرضیه دوم: بین نمره خلاقیت کلامی دانشجویان دختر و پسر تفاوت وجود دارد. برای بررسی تفاوت نمره خلاقیت دانشجویان دختر و پسر از آزمون t استفاده شد. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل میانگین خلاقیت دختران ۷۸/۵۲ و پسران ۷۳/۱۴ است که میانگین دختران ۵/۳۸ نمره بالاتر از پسران است که این تفاوت از نظر آماری معنی دار است ($P < 0/05$). بنابراین با اطمینان ۹۹ درصد می توان بیان کرده خلاقیت کلامی دختران دانشجو بالاتر از پسران است.

جدول ۳. مقایسه میانگین خلاقیت کلامی بر اساس جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تفاوت	مقدار t	درجه آزادی	Sig
پسران	۱۵۰	۷۳/۱۴	۱۲/۷۱				
دختران	۲۲۵	۷۸/۵۲	۱۵/۸۰	۵/۳۸	۳/۴۸	۳۷۳	۰/۰۰۱
کل	۳۷۵	۷۶/۳۷	۱۴/۸۶				

فرضیه سوم: بین نمره خلاقیت کلامی دانشجویان گروه‌های دانشگاهی تفاوت وجود دارد. با توجه به نتایج حاصل از تحلیل واریانس یک راهه جهت مقایسه میانگین خلاقیت کلامی دانشجویان بر اساس رشته‌های تحصیلی، تفاوت آماری معنی داری مشاهده نشد ($P > 0/05$). پس نمره خلاقیت کلامی دانشجویان متأثر از رشته‌ها نیست.

جدول ۴. مقایسه میانگین خلاقیت کلامی بر اساس گروه‌ها (رشته‌های) دانشگاهی

منبع تغییر	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	مقدار F	Sig
بین گروهی	۶۶/۷۳	۴	۱۶/۶۸	۰/۰۷۵	۰/۹۹
درون گروهی	۸۲۵۶۰/۲۱	۳۷۰	۲۲۳/۱۳		
کل	۸۲۶۲۶/۹۴	۳۷۴			

نقش متغیرهای پیش‌بین (جنس، رشته، مدیریت زمان) در پیش‌بینی تغییرات متغیر خلاقیت کلامی چگونه است.

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک خلاقیت کلامی ۰/۴۷ همبستگی وجود دارد که ۲۲/۰۹ درصد تغییرات خلاقیت را متغیرهای مدیریت

زمان، نگرش، برنامه‌ریزی بلند/کوتاه مدت، جنسیت، رشته دانشگاهی و معدل تحصیلی تبیین می‌کنند که سهم کلی آنها از نظر آماری معنی دار است ($P < 0/05$). برای بررسی سهم تک تک متغیرها در این پیش‌بینی با توجه به نتایج جدول ۵ سهم متغیرهای برنامه‌ریزی کوتاه مدت، جنسیت و معدل دانشگاهی معنی دار است ($P < 0/05$).

جدول ۵. تعیین سهم متغیرها در پیش‌بینی تغییرات خلاقیت کلامی

منبع تغییر	مجموع مجذورها	درجه آزادی	میانگین مجذورها	مقدار F	sig	R	ضرب تعیین
رگرسیون	۴۶۴۲/۵۵	۷	۶۶۳/۲۲				
باقیمانده	۵۹۰۶۷/۱۳	۳۱۷	۱۸۶/۳۳	۳/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۴۷	۲۲/۰۹
کل	۶۳۷۰۹/۶۸	۳۲۴					

متغیر	مقدار B	مقدار t	sig	مقدار a
مدیریت زمان	۰/۱۵۳	۰/۹۳	۰/۳۵	
نگرش	۰/۴۲۱	۰/۹۱۹	۰/۳۶	
برنامه‌ریزی بلندمدت	۰/۴۶۶	۱/۴۵	۰/۱۴	
برنامه‌ریزی کوتاه مدت	۰/۴۳۷	۱/۸۰	۰/۰۵	
جنسیت	۴/۳۶	۲/۷۲	۰/۰۰۷	۴۶/۲۷
رشته	۰/۱۸۳	۰/۳۲۴	۰/۷۴	
معدل دانشگاهی	۰/۹۷۷	۲/۱۲	۰/۰۳	

بحث و نتیجه گیری

آفرینش انسان به عنوان مهم‌ترین نماد خلاقیت در دیدگاه خداوند است. روان‌شناسان خلاقیت را به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید دانسته‌اند. در بررسی ابعاد خلاقیت به عناصر سیالیت، انعطاف، اصالت و تخیل اشاره شده است و در دیدگاهی دیگر جلوه بیرونی تفکر خلاق به صورت خلاقیت کلامی و غیرکلامی جلوه‌گر

می‌شود. تفکر به عنوان یک بستر خلق ایده تحت تأثیر متغیرهای فراوانی قرار دارد که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم و واسطه‌ای بر آن اثر می‌گذارند. دانشجویان هم به عنوان قشر اندیشمند و مولد دانش در جامعه باید از توان خلاقیت بالا برخوردار باشند تا بتوانند نظام اندیشیدن را در مسیر تحول و تغییرات هدف‌دار و رهنمون شوند. بستر تفکر خلاق دانشجویان در طی دوره‌های تحصیلی و آموزشی چیده شده است و در محیط دانشگاه جلوه بیرونی آن یعنی خلاقیت خود را نشان می‌دهد. این عامل متأثر از عوامل چندی است که در این بین بررسی نقش متغیرهایی ساختاری چون جنسیت و رشته تحصیلی و متغیر آموزشی چون مدیریت زمان مورد توجه است. در بررسی رابطه بین مدیریت زمان و خلاقیت فردی دانشجویان، نتایج مبین یک رابطه آماری معنی دار بود و نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که بین خلاقیت فردی و برنامه‌ریزی کوتاه مدت رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و هر چقدر برنامه‌ریزی کوتاه مدت در دانشجویان بیشتر باشد، خلاقیت فردی آنها نیز بالاتر است. به عبارت دیگر در افراد با خلاقیت فردی بالاتر، برنامه‌ریزی کوتاه مدت بیشتر می‌باشد. خلاقیت یک نظام سازمان‌بخشی به اندیشه و خرد است که با توان شناختی در ارتباط است. در یک برنامه مدیریت زمان فرد تلاش دارد تا از اطلاع زمان جلوگیری نماید و در یک فرصت محدود به نتیجه محوری دست یازد. در افراد خلاق مدیریت زمان یک اصل مبتنی بر رویکرد خود تنظیمی است و آنها را به صورت اتوماتیک به رفتار وادار می‌کند و ضمن نظارت بر فرآیند عمل به سرعت انجام و کیفیت آن هم نگاه ویژه دارد. نتایج به دست آمده در این زمینه با نتایج پژوهش‌های زمپتاکیس و همکاران (۲۰۱۰) هماهنگ می‌باشد. در نتیجه می‌توان نتیجه گرفت وجود خلاقیت در افراد می‌تواند تأثیر اساسی بر عامل مدیریت زمان داشته باشد.

در بررسی رابطه بین خلاقیت فردی دانشجویان بر اساس رشته‌های تحصیل تفاوت معنی داری مشاهده نشد و نشان می‌دهد که عنصر خلاقیت متأثر از گروه‌های آموزش در محیط‌های دانشگاهی نیست. در تبیین آن باید گفت که احتمالاً در محیط‌های دانشگاهی به عنصر خلاقیت توجه نمی‌شود چرا که در صورت توجه به آن باید بین گروه‌ها به یک تفاوت محسوس برخورد

می‌کردیم. چون در این پژوهش، محور خلاقیت کلامی بود، پس خلاقیت کلامی دانشجویان گروه انسانی باید بالاتر می‌بود که چنین یافته‌ای مشاهده نشد. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش محققان و همکاران (۱۳۸۹) هماهنگ می‌باشد. همچنین با پژوهش فیست (۱۹۹۹)؛ به نقل از متقیان، (۱۳۹۰) که نشان داد رشته تحصیلی نقش تعیین‌کننده در خلاقیت ندارد، هماهنگ است. هاشمی طی پژوهش خود نشان داد که میزان بروز خلاقیت در دانشجویان هنر، ادبیات و علوم پایه متفاوت است و بین این گروه‌ها تفاوت مثبت و معناداری وجود دارد و با یافته‌های چین و هوو (۲۰۱۰) هماهنگ نیست. در بررسی تفاوت خلاقیت فردی در دانشجویان دختر و پسر نتایج به دست آمده نشان داد که خلاقیت فردی در دانشجویان پسر ضعیف‌تر از دانشجویان دختر است که این تفاوت معنی‌دار است. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش‌های نوری (۱۳۸۲) و متقیان (۱۳۹۰) هماهنگ نمی‌باشد. نوری در پژوهش خود نشان داد که در رابطه با بروز خلاقیت، پسران نسبت به دختران برتری دارند. به عبارتی دیگر میزان بروز خلاقیت در پسران بیشتر از دختران می‌باشد. در همین زمینه نتایج پژوهش شریفی در (۱۳۸۳) نیز همین برتری پسران بر دختران در زمینه بروز خلاقیت را نشان داده بود. اما نتایج پژوهش‌هایی که توسط کرمی مقدم (۱۳۷۷) و اوجی نژاد (۱۳۸۲) صورت گرفت؛ در تایید یافته‌های این پژوهش است (به نقل از مرتضوی، ۱۳۹۰). کرمی مقدم که به بررسی رابطه مهارت‌های فردی و مدیریت زمان در بین زنان و مردان پرداخته بود به این نتیجه رسید که میانگین نمرات زنان در زمینه مدیریت زمان بالاتر از میانگین مردان در همین زمینه می‌باشد. همچنین اوجی نژاد نشان داد که متوسط نمرات دختران در خلاقیت نسبت به پسران تفاوت معناداری نسبت به متوسط نمرات پسران در همین زمینه دارند. بریتون و تیسر (۱۹۹۱) نشان دادند که دختران در زمینه برنامه ریزی کوتاه مدت و خلاقیت کلامی نمرات قابل توجه و بالاتری نسبت به پسران کسب می‌کنند. کیم و میکائیل (۱۹۹۵) به خلاقیت در گروهی از دانشجویان دختر و پسر پرداخته و به این نتیجه رسیدند که دختران نسبت به پسران خلاق‌تر می‌باشند. اما در همین زمینه دسته‌ای از پژوهش‌ها نشان دادند که بین میزان خلاقیت فردی و مدیریت زمان در دانشجویان دختر و پسر

هیچ تفاوت معناداری وجود ندارد. به عبارت دیگر هیچ گروهی نسبت به دیگری برتری ندارند. حجتی (۱۳۷۵) به بررسی رابطه خلاقیت و سطح ارزشمندی در دو گروه دختر و پسر پرداخت و نشان داد که تفاوت گروه‌های جنسی در آزمون خلاقیت معنا دار نیست. در همین رابطه نیز شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۴) گزارش کرد که جنسیت رابطه معناداری با خلاقیت ندارد. راینا (۱۹۸۲) نشان داد که تفاوت‌های جنسیتی در میزان بروز خلاقیت دانش آموزان نقش معناداری ندارد. با توجه نتایج برخی پژوهش‌های انجام شده و نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر می‌توان بیان داشت که دختران در میزان بروز خلاقیت کلامی نسبت به پسران برتری چشمگیری دارند؛ اما با توجه به نتایج ضد و نقیضی که از سایر پژوهش‌ها به دست آمده می‌توان چنین استنباط کرد که عامل جنسیت خود به تنهایی نمی‌تواند بر میزان بروز خلاقیت تأثیر داشته باشد و باید عوامل دیگر را مد نظر قرار داد. خلاقیت یک محصول چند عاملی است که گاه وجود یک کلیشه و قالب فکری منفی مانع بروز آن می‌شود و همچنین عوامل فرهنگی و اجتماعی در بروز و افول آن نقش تعیین کننده‌ای دارند. در فضای دانشگاهی هم مانند آموزش و پرورش یادگیرندگان به تفکر هم گرا دعوت می‌شوند و فضای واگرایی و اندیشه خلاق گاه حتی مورد نکوهش واقع می‌شود. اگر نظام‌های آموزش به دنبال پرورش یادگیرندگان خلاق هستند باید ابتدا توانایی مسأله یابی و مسأله شناسی را آموزش داده و ترغیب نمایند و در ادامه به تفکر خلاق و آفریننده توجه نموده و به آن امتیاز بالایی در ارزشیابی دهند تا نتیجه بلافصل آن دو، توان تولید ایده‌های ناب و اصیل باشد. این به عنوان نقطه عزیمت و نهایت هدف در آموزش امروزی است.

محدودیت‌های پژوهش: از جمله محدودیت‌های اجرایی پژوهش همبستگی بودن نوع مطالعه و نبودن امکان استنباط گزاره‌های علی بود. محدودیت دیگری که با آن روبه رو بودیم، داده‌ها به صورت خود گزارشی جمع آوری شدند و امکان این وجود دارد که پاسخگویان خویشتن نگری لازم را نداشته باشند. از دیگر محدودیت‌های پژوهش این بود که جامعه آماری مورد پژوهش محدود به دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان می‌باشد و سایر دانشجویان دانشگاه‌های دیگر را در بر نمی‌گیرد. محدودیت اساسی دیگری که با آن روبرو بودیم در رابطه

با پرسشنامه سنجش مدیریت زمان است که در این زمینه آزمون استاندارد شده‌ای در ایران یافت نشد.

پیشنهادها: هدف اصلی از انجام هر پژوهش علمی، تجربه و دست‌یابی به اطلاعاتی است که بتواند راه‌گشای برنامه‌ریزی‌های اصولی در حوزه پژوهش باشد. بنابراین، در این قسمت، پیشنهاد می‌شود:

- پژوهش در زمینه خلاقیت و مدیریت زمان در سطح گسترده‌تری از جمله در سطح استان و سایر استان‌ها، انجام گیرد.
- پژوهش در رابطه با همین موضوع در گروه‌های سنی و گروه‌های آموزشی پایین‌تر نیز مورد بررسی قرار گیرد.
- پژوهش در رابطه با موضوع ذکر شده، توسط آزمون‌های دیگر مورد بررسی قرار گیرد

منابع

- آمایلی، تراز. (۱۹۸۹). شکوفایی خلاقیت. ترجمه قاسم زاده و عظیمی. (۱۳۸۱). تهران: نشر دنیای نو.
- الفتی، ناهید. (۱۳۹۰). تأثیر آموزش مدیریت زمان بر اضطراب امتحان و انگیزش پیشرفت تحصیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.
- دبونو، ادوارد (۱۹۹۲). خلاقیت جدی. ترجمه بصیری و غفاری پور. (۱۳۸۲). تهران: نشر آبیژ.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۹). روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش. تهران: دوران.
- شیخ الاسلامی، راضیه. (۱۳۸۴). پیش‌بینی خلاقیت دانشجویان دانشگاه شیراز با توجه به متغیرهای انگیزش بیرونی، انگیزش درونی و جنسیت. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- فرنج، وندال و اچ بل، سسیل (۲۰۰۲). مدیریت تحول در سازمان. ترجمه الوانی و دانایی فرد. (۱۳۸۵). تهران: انتشارات صفار.
- لوتار، اس ورت. (۲۰۰۲). مدیریت زمان. ترجمه غلامرضا خاکی. (۱۳۸۱). تهران: انتشارات سازمان بهره‌وری بصیر.

متقیان، مریم. (۱۳۹۰). رابطه خلاقیت و مدیریت زمان در دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی ساوه.

مرتضوی، سید علی. (۱۳۹۰). مقایسه روش‌های پرورش خلاقیت بر خلاقیت دانش آموزان. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بوعلی سینا.

محقق، حسین؛ یعقوبی، ابوالقاسم؛ صفایی، ایرج. (۱۳۸۹). خلاقیت و کاوشگری. همدان: سازمان دانش آموزی استان همدان.

- Amabile, T. (2007). Effects of external evaluation on artistic creativity. *personality and social psychology*, 37(2), p 221-233.
- Chien, C.y & Hui, A. N. N. (2010). Creativity in early childhood education: teacher's perception in three Chinese societies. *Thinking Skill and Creativity*, 5(2), 49-60.
- Eldeleklioglu, J. & Yilmaz. A & Gultekin, F. (2010). Investigation of teacher trainees psychological well being in terms of time management preceded. *Social and Behavioral Sciences*, 2, 342-348.
- Forrester, V & Mui, A. (2008). Creativity in the Hong Kong classroom. What is the contextual practice? *Thinking skill and creativity*, 2, 30, 38.
- Jianzhong, X. (2009). Predicting home work time management the secondary school level. *Learning and individual differences*, 20, 34-39.
- Kampylis, P. & Berki, B. & Sriluoma, P. (2008). In service and prospective teacher's conception of creativity. *Thinking Skills and Creativity*, 4, 15-29.
- Theres, M. & Mogibson, J & Cunningham, J. (2010). Will you remember to read this article later when you have time? The relationship between prospective memory and time management. *Personality and individual differences*, 48, 725-730.
- Zampetakis, L.A. & Bouranta, N & vassills, S. & Moustakis (2010). On the relationship between individual creativity and time management. *Thinking Skills and Creativity*, 5, 23-32.